

دوفصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال چهاردهم / دوره جدید / شماره ۵۱ / بهار و تابستان ۱۳۹۸
صص ۴۴-۵۸

مجازات سب‌النبی از دیدگاه مذاهب اسلامی

و حقوق ایران و افغانستان

• عابدین مؤمنی

دانشیار دانشگاه تهران

abedinmomeni@ut.ac.ir

• عبدالسبحان صدیقی

کارشناس ارشد فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول)
subhansaddiqi1@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱

چکیده

در این نوشتار، رویکرد حقوق کیفری ایران و افغانستان و نیز نگاه مذاهب اسلامی را به سب‌النبی و مجازات آن مورد بررسی قرار داده‌ایم. سب‌النبی از جمله جرایمی است که در فقه و حقوق جزای اسلامی مطرح شده است. مذاهب اسلامی، حقوق ایران و افغانستان در باب تبیین ماهیت سب‌النبی اشتراک دارند: سب‌النبی به معنای دشنام و ناسزاگویی به پیامبر(ص) است. میان مذاهب اسلامی، حقوق ایران و افغانستان، اختلاف نظر وجود دارد. با اینکه در حقوق ایران، سب‌النبی به موجب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش، یک جرم حدی معرفی شده، اما در حقوق افغانستان، عنوان منحصر به فردی با نام «سب‌النبی» در کود جزای آن وجود ندارد و این رفتار، مشمول عنوان عام توهین به مقدسات اسلام است. همچنین در حقوق ایران، مجازات سب‌النبی، به عنوان یک حد، قتل و کشتن ساب (دشنام دهنده) است، اما در حقوق افغانستان، ضمن اینکه این عنوان را به صراحت تعیین و شناسایی نکرده، مجازات حبس متوسط (۲ تا ۵ سال) را برای آن تحت عنوان «توهین به مقدسات» در نظر گرفته است. از سوی دیگر کیفر سب‌النبی در بیشتر مذاهب اسلامی، قتل و کشتن ساب است، البته در این میان فقه حنفی در این باره تشکیک کرده است. با وجود این اختلافات، هم در حقوق ایران و هم در حقوق افغانستان، سب‌النبی می‌تواند به صورت گفتار یا نوشتار و در فضای واقعی یا مجازی انجام شود.

کلیدواژه‌ها: سب‌النبی، دشنام، قتل، تعزیر، مجازات، مذاهب اسلامی.



۴۶

مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی
سال چهاردهم
شماره ۵۱-بهار و تابستان ۱۳۹۸

مقدمه

اعتقاد به هر دین و مذهبی، متضمن احترام به مقدساتی است که براساس آموزه‌های آن دین یا مذهب، تبیین می‌شوند. همین التزام به حفظ این احترام، موجب می‌شود که توهین به این مقدسات، حسب مورد و با عناوین مختلف، جرم‌انگاری و با مجازات روبه‌رو گردد. نسبت به دین اسلام نیز این قاعده به قوت خود باقی است. بنابراین توهین به مقدسات، در مذاهب اسلامی و در نظام‌های حقوقی که براساس احکام و تعالیم این دین شکل گرفته‌اند، گناه و مستحق کیفر و عقوبت دانسته شده است.

یکی از مصادیق آشکار توهین به مقدسات اسلامی، دشنام و ناسزاگویی به پیامبر(ص) است. صرف‌نظر از اینکه این دشنام در چه مراتبی و با چه الفاظی و یا با چه رفتاری صورت گیرد، اهل سنت (حنفی، مالکی، حنبلی و شافعی) و امامیه، این رفتار را با مجازات روبه‌رو کرده‌اند. در این مذاهب، دشنام و ناسزاگویی به پیامبر(ص)، تحت عنوان ساب‌النبی، مستوجب مجازات قتل است و ساب‌النبی، مهدور الدم محسوب شده است، هرچند فقه حنفی در این باره، معتقد به اجرای قتل نسبت به ساب‌النبی نیست، بلکه ساب‌النبی را اگر مسلمان باشد، مرتد می‌داند. در حقوق کیفری برخی کشورهای اسلامی که احکام فقهی و شرعی را مبنای جرم‌انگاری قرار داده‌اند، به عنوان مثال ایران و افغانستان، ساب‌النبی یا تحت همین عنوان و یا تحت عنوان «توهین به مقدسات»، جرم و مستوجب مجازات دانسته شده است. این دو نظام حقوقی، متأثر از احکام فقهی موجود در مذاهب متفاوت (جعفریه در ایران و حنفیه در افغانستان) هستند و در باب مجازات ساب‌النبی، رویکردهای متفاوت اتخاذ کرده‌اند.

آنچه در پیشینه این موضوع وجود دارد، مقالاتی است که به شکل ضمنی به این موضوع اشاره کرده‌اند، مانند: «بررسی فقهی حکم مجازات ساب‌النبی» نوشته مجید مجرد و سید رضا مؤدب، «بررسی فقهی و حقوقی

جرم ساب‌النبی» نوشته عباس زراعت، «مستندات فقهی اصل قانونمندی و قضاوت‌مندی در جرم ساب‌النبی» نوشته رحمان صیوحی و سید حسن هاشمی، و «ساب‌النبی و احکام آن از منظر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ش با رویکرد کاربردی»، نوشته محمد مصدق. در هیچ‌یک از نوشتارهای ذکر شده، به صورت تطبیقی میان مذاهب اسلامی کاری انجام نشده است. کار جدید و تازه‌ای که در این مقاله صورت گرفته، بررسی تطبیقی مجازات ساب‌النبی در میان مذاهب اسلامی و حقوق ایران و افغانستان می‌باشد. در این نوشتار، ضمن بررسی مفهوم و مؤلفه‌های ساب‌النبی، روایات مطرح در فقه اهل سنت و امامیه پیرامون ساب‌النبی و مجازات آن، رویکرد مذاهب اسلامی نسبت به این امر و همچنین نگاه حقوق کیفری ایران و افغانستان به این رفتار توهین‌آمیز مورد بررسی قرار گرفته است.

مفهوم ساب‌النبی

برخی از اساتید فن لغت، ساب را به معنای «دشنام دادن، نفرین کردن، اهانت و توهین کردن» به کار برده‌اند. البته در برخی فرهنگهای لغت، واژه ساب به معنای دشنام سنگین و دردناک نیز به کار رفته است.^۱ در زبان عرب، ساب به معنای انداختن تیرهای زهر آگین و مهلک آمده است.^۲ همچنین در باب معنای ساب بیان شده است: «ساب یعنی دشنام دادن و بدگویی با جملات انشائی و آن عبارت است از ذکر الفاظ و نوشته‌های ناخوش به کسی به قصد تحقیر، اهانت، هجو و غیر آن. مرتکب آن را ساب می‌گویند. کسی را که مورد دشنام قرار گرفته است، نیز مسبوب می‌نامند».^۳ برخی معتقدند که ساب اخص از توهین است، اما به نظر برخی دیگر، ساب مترادف با توهین لفظی و کتبی است.^۴ ساب در زبان فرانسه، معادل «Injoure» و در زبان انگلیسی

۱. لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۶۲۹.

۲. فرهنگ فارسی، ج ۴، ص ۲۶۰.

۳. مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۲، ص ۱۷۸.

۴. مطالعه تطبیقی سب‌النبی در ادیان الهی با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش، ص ۳۶.





مترادف کلمات «Insult»، «Wrong»، «Curse» و «Valification» است.^۵

صاحب کتاب *المحیط فی اللغة* در تعریف سب بیان می‌دارد: «سب به معنای دشنام و سباب به معنای مشتامه و ساب به معنای کسی است که دشنام می‌دهد. همچنین سب به معنای قطع کردن است. اصل سب نیز به معنای عیب است».^۶ همچنین راغب در *المفردات*، سب را در معنای «الشتم الوجیع» به کار برده است.^۷ در قرآن کریم نیز معنای دشنام و ناسزاگویی برای واژه سب به کار رفته است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...»^۸ «و شما مؤمنان بر آنان که غیر خدا را می‌خوانند، دشنام مدهید تا مبادا آنها هم از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام دهند». در اینکه آیا سب، شامل الفاظ توهین جنسی یا نسبت دادن جرایم جنسی یا قذف به دیگری نیز می‌شود یا خیر، میان لغویان اختلاف نظر وجود دارد. با این حال، قدر متیقن در مورد معنای سب، دشنام دادن و ناسزا گفتن و یا لعن و نفرین کردن است.^۹

الفاظ سب النبی

راجع به این موضوع که آیا سب النبی در قالب الفاظ خاصی محقق می‌گردد، یا اینکه هر نوع اهانتی را دربر می‌گیرد، در متون فقهی پاسخ صریح و شفافیتی یافت نمی‌شود و فقهای محترم پس از اشاره به جرم مذکور، به بیان مجازات آن پرداخته و نوع الفاظ اهانت را تشریح ننموده‌اند، لیکن از مطالعه متون فقهی دو نظر به ذهن متبادر می‌شود:

۱- جرم سب النبی با هر لفظ اهانت‌آمیزی تحقق می‌یابد و برای تعیین اینکه جرم سب النبی به وقوع

پیوسته است یا خیر، باید دید الفاظ به کار برده شده موجب تحقیر شخصیت پیامبر(ص) گردیده است یا خیر؟ معنای لغوی سب، این احتمال را تأیید می‌کند؛ زیرا به هر دشنام و ناسزایی اطلاق می‌شود. همچنین ظاهر کلام فقها آن است که به معنای لغوی سب اکتفا کرده و آن را به صورت مطلق بیان نموده‌اند، بنابراین سب النبی همان اهانت به پیامبر(ص) است و همان‌گونه که این سب، نسبت به سایر افراد موجب توهین می‌شود، در مورد پیامبر(ص) نیز سب توهین است و از این جهت تفاوتی میان اهانت ساده و سب النبی نمی‌باشد و حتی در برخی روایات، انکار فضیلت پیامبر(ص) نسبت به دیگران نیز از مصادیق سب پیامبر(ص) به حساب آمده است.^{۱۰}

۲- جرم سب النبی صرفاً با الفاظ اهانت‌آمیزی که به قذف پیامبر(ص) منجر گردد، تحقق می‌یابد. آنچه این نظر را تقویت می‌نماید، آن است که اغلب قریب به اتفاق فقها، مسئله سب النبی را ذیل حد قذف آورده‌اند و این موضوع بیانگر آن است که سب النبی از مصادیق قذف می‌باشد.^{۱۱}

به نظر نگارنده، نظر اول صحیح‌تر می‌باشد؛ زیرا در روایات و نیز سخنان فقیهان، واژه سب به صورت مطلق به کار می‌رود و هیچ‌یک از فقیهان آن را بر قذف حمل نکرده‌اند، بلکه معنای لغوی آن، که دشنام است، مورد نظر بوده است. همچنین بیان این مسئله ضمن مبحث قذف، تحت تأثیر تبویب احادیث در کتابهای روایی است؛ با این توضیح که کتابهای مشهور حدیث، بحث و روایات مربوط به مقوله سب النبی را ضمن مبحث قذف بیان کرده‌اند و فقیهان پیشین به همان ترتیب، مباحث کتابهای خود را تنظیم کرده و کتابهای فقهی بعدی نیز به شرح کتابهای قبلی پرداخته‌اند. بنابراین ذکر مسئله ضمن بحث قذف موجب انصراف آن به قذف نمی‌شود. در هر حال، از

۵. «استنباط حکم ساب النبی از ابعاد سه‌گانه سنت اسلامی»، ص ۶۳.

۶. واژه‌نامه تفصیلی فقه جزا، ص ۲۶.

۷. «بررسی جرم اهانت به مقدسات اسلام»، ص ۱۰۰.

۸. انعام، ۱۰۸.

۹. «بررسی فقهی و حقوقی جرم سب النبی»، ص ۳۸.

۱۰. «بررسی حکم قاتل ساب النبی(ص) و ائمه اطهار(ع)»، ص ۷۳.

۱۱. توهین به مقدسات دینی در حوزه آزادی مطبوعات در ایران،

انگلستان و ایالات متحده، ص ۷۱.

مطالب فوق استنباط می‌شود که سب النبی با هر نوع لفظ اهانت‌آمیز به ساحت پیامبر (ص) تحقق می‌یابد و این جرم محدود به لفظ اهانت‌آمیز خاصی نیست. از این نکته هم نباید غافل بود که سب و لعن با یکدیگر تفاوت دارند، چنانچه لعن به معنای دور بودن از رحمت خدا، و سب به معنای ناسزاگویی است، بنابراین نباید به جای یکدیگر به کار روند؛ زیرا اصل در سب، عدم جواز است بدون آنکه تخصیص و استثنائی وجود داشته باشد، اما اصل عدم جواز لعن، در چند مورد تخصیص خورده است. البته به نظر می‌آید که منظور از جواز سب نسبت به بدعت‌گذار، جواز لعن او می‌باشد. همچنین در مقایسه سب و غیبت باید گفت: از آنجا که در سب، قصد اهانت و تحقیر شرط است، ولی مواجهه و رودررویی شرط نیست، بنابراین از نظر منطقی بین سب و غیبت، رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار خواهد بود؛ بدین معنا که گاه سب است و غیبت نیست و زمانی غیبت است و سب نیست، مثل آنکه پشت سر شخصی چیزی بگوید که سبب ناراحتی او شود، ولی گوینده قصد اهانت نداشته باشد و گاهی هم سب و هم غیبت است، آنجا که پشت سر کسی به قصد اهانت چیزی بگوید که موجب ناخشنودی او شود.^{۱۲}

در باب اینکه در مباحث حقوقی، منظور از سب چیست، باید ابتدا به قانون مراجعه کرد و چون در قانون، تعریف یا مفهوم یا مصداق خاصی از سب بیان نشده است و از آنجا که در حقوق مستند به ماده ۲۲۴ قانون مدنی، معنی کلمات بر معانی عرفی آن حمل می‌شود، بنابراین برای درک معنی سب باید به عرف مراجعه کرد. در عرف عمومی ایران هم نمی‌توان برای سب معنی خاص و بلامنازعی پیدا کرد. به ناچار باید به عرف مسلم و مورد قبول جامعه مسلمان ایرانی که حاکم بر عرف عام است؛ یعنی نظرات فقها مراجعه کرد و مقصود قانون‌گذار را از معنی سب دریافت نمود.

به‌خصوص که آنچه در ماده ۵۱۳ قانون مجازات

۱۲. بررسی تحلیلی و تطبیقی جرائم قذف، افترا و توهین، ص ۶۱.

اسلامی آمده، ترجمه دقیق عبارت فقها است.^{۱۳} دیگر تردیدی باقی نمی‌ماند که باید معنی سب را با لحاظ نظرات فقها تعریف کرد؛ اینکه، فقها جملگی، در این تعریف اتفاق نظر دارند یا مشهور فقها نظرشان در تعریف سب همان مفهوم ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی است یا نظرات متعددی راجع به معنی سب وجود دارد، مفروغ از بحث حاضر است و فرض آن است که خون سب کننده نبی و ائمه، هدر است. در اینجا فقط به مباحث حقوقی حکم قتل ساب النبی پرداخته شده است که اگر کسی به علت سب نبی یا ائمه مستحق مرگ است و فردی او (سب کننده) را بکشد، از نظر حقوقی، با قاتل ساب النبی یا ائمه چه برخوردی باید کرد؟

از مجموع آیات و روایات وارده پیرامون سب و حداقل فهم مشترک فقها و علمای حقوق راجع به آن، به دست می‌آید که برای تحقق جرم سب النبی یا ائمه لازم است که سب، متوجه پیامبر (ص) یا ائمه (ع) باشد و با الفاظی که بر دشنام یا ناسزاگویی دلالت دارد، واقع شود.^{۱۴} کاربرد الفاظ دشنام‌آمیز نسبت به پیامبر (ص)، شرط تحقق این گناه است. قدر متیقن اینکه ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی و با لحاظ تفسیر قوانین به نفع متهم و قاعده درء، بر تحقق جرم سب النبی با استعمال الفاظ دشنام‌آمیز دلالت دارد.^{۱۵}

همان‌طور که برای تحقق جرم توهین، علاوه بر سوء نیت عام؛ یعنی وجود عمد در ارتکاب رفتار موهن نسبت به دیگری، سوء نیت خاص؛ یعنی قصد تحقیر و خوار کردن دیگری نیز باید وجود داشته باشد، تا جرم توهین تحقق یابد،^{۱۶} در جرم سب النبی یا ائمه نیز قصد عام (استفاده از لفظی که بر ناسزا یا دشنام دلالت کند) و قصد خاص (تحقیر و تذلیل)

۱۳. «تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی در آینه فقه اسلامی»، ص ۵۲.

۱۴. ارتداد از دیدگاه فقها، ص ۵۱.

۱۵. «آزادی بیان و هتک حرمت ادیان و پیامبران در اروپا از منظر حقوق بشر»، ص ۶۶.

۱۶. حقوق کیفری اختصاصی (۱)، ص ۱۸۸.





باید وجود داشته باشد. بنابراین اگر فردی در محفل علمی، تنها از باب رد شبهه یا در پاسخ به شبهه ایجاد شده، الفاظ حاکی از سب به شخصیت پیامبر(ص) یا ائمه(ع) را بیان نماید، مشمول حکم سب النبوی یا ائمه نمی‌گردد؛ زیرا چنین شخصی، قصد خاص ناسزاگویی و تحریک احساسات جمعی را نداشته و تنها از باب مباحث علمی به بیان مطالب پرداخته است. در خصوص حکم سب پیامبر(ص) یا ائمه(ع)، برخی از فقهای شیعه، نسبت به هدر بودن خون سب النبوی یا ائمه، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، ادعای اجماع دارند.^{۱۷} البته برخی، علت این حکم را در کافر شدن وی دانسته‌اند و بعضی، سب قتل سب را ارتداد او می‌دانند.^{۱۸} برخی براساس آیه ۲۳ سوره شوری مبنی بر اینکه احترام و کرامت پیامبر(ص) و ائمه(ع) بر مسلمانان لازم است، قتل سب کننده را واجب می‌دانند.^{۱۹} هرچند این تعبیر در کلام فقها تحت عنوان جواز آمده است، ولی فقهای هم هستند که اگر سب کننده کافر باشد، نظر بر قتل وی ندارند و فقط مسلمان را مستحق قتل می‌شناسند.^{۲۰} در هر حال، سب کننده به قتل می‌رسد و سب قتل وی نیز در آموزه‌های فقهی و قانون ایران، مهذور بودن خویش می‌باشد که سعی بر مقابله با پیامبر(ص) یا ائمه(ع) را دارد.

روایات امامیه درباره سب النبوی

در منابع امامیه، روایاتی وجود دارد که بر زشتی رفتار دشنام به پیامبر(ص) و لزوم کیفر دادن سب النبوی دلالت دارند. در این بخش، به بررسی این روایات پرداخته می‌شود.

۱) روایت علی بن اسباط

۱۷. «سب و لعن از دیدگاه فقه و اخلاق»، ص ۴۵.

۱۸. قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، ج ۱، ص ۶۱.

۱۹. بررسی توهین به مقدسات اسلام در فقه و قوانین کیفری ایران، ص ۷۷.

۲۰. هتک حرمت مقدسات، ص ۷۷.

علی بن اسباط از علی بن جعفر روایت کرده است که برادر امام کاظم(ع) به من فرمود: نزد پدرم بودم که فرستاده زیاد بن عبیدالله حارثی حاکم مدینه، نزد ایشان آمد و عرض کرد: والی با شما کار دارد. پدرم به سبب بیماری عذر خواست، اما فرستاده او دوباره بازگشت و گفت: والی می‌گوید: دستور دادم باب مقصوره را باز کنند تا راه کمتر باشد و به شما صدمه و ناراحتی نرسد. امام کاظم(ع) فرمود: پدرم در حالی که به من تکیه داده بود، حرکت کرد و بر والی داخل شد؛ به گونه‌ای که تمام فقهای مدینه نزدش حاضر بودند و کاغذی مبنی بر شهادت عده‌ای به دشنام داشتند. مردی از وادی «قری» نزد حاکم بود که به پیامبر(ص) دشنام داده بود، آن کاغذ را به امام صادق(ع) داده گفت: شهادت نامه را ملاحظه کن. امام(ع) فرمود: اول نظر فقها را بشنوم، والی از آنان پرسید شما چه می‌گویید: فقها گفتند: به نظر ما باید تأدیب شده، او را بزنند و زندانی کنند. امام(ع) فرمود: اگر کسی یکی از اصحاب پیامبر(ص) را دشنام داد، حکمش چیست؟ گفتند: همین حکم را دارد. امام(ع) فرمود: پس فرقی بین پیامبر(ص) و اصحابش نیست؟ والی گفت: قول این گروه را رها کن. اگر می‌خواستم به حرفشان توجه و اعتنا کنم، دنبال شما نمی‌فرستادم، نظر خودت را بفرما. امام صادق(ع) فرمود: رسول خدا(ص) می‌فرماید: مردم درباره من یکسان هستند. اسوه به معنای تساوی است. اسوه حسنه؛ یعنی شما باید مساوی با رسول خدا(ص) باشید. هرکس شنید مرا دشنام می‌دهند و سب و شتم می‌کنند، بر او واجب است دشنام دهنده را بکشد و لازم نیست مسئله را به حاکم ارجاع دهد و اگر به حاکم نیز مراجعه شد، بر او واجب است دشنام دهنده را بکشد. در این حالت، زیاد بن عبیدالله گفت: مرد دشنام دهنده را ببرید و به حکم اباعبدالله بکشید.

۲) روایت محمد بن مسلم

محمد بن مسلم از امام باقر(ع) نقل کرده است که



دارد که به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۱) روایت قاضی عیاض

قاضی عیاض از قول پیامبر(ص) آورده است: «کسی که مرا دشنام دهد، او را بکشید و آن کسی که اصحاب مرا دشنام دهد، او را بزنید».

۲) روایت متقی هندی

سیف‌الله صرامی به نقل از متقی هندی در کتاب کنز العمال فی سنن الأفعال والأفعال، از قول پیامبر(ص) چنین نقل کرده است: هرکس پیامبر(ص) را دشنام دهد، کشته می‌شود و هرکس صحابه ایشان را سب کند، تازیانه زده می‌شود. ابن تیمیه در خصوص حدیث مزبور بر این اعتقاد است که در این حدیث نبوی، امر به قتل دشنام دهنده پیامبر(ص) به طور مطلق آمده است و بر طبق این حدیث، سب نبی به خودی خود موجب قتل می‌شود و همان‌گونه که حکم تازیانه سب صحابی پس از قدرت بر سب وی، با توبه ساقط نمی‌گردد، مجازات قتل سب النبی نیز ساقط نمی‌شود.

بنابراین با ملاحظه روایات امامیه و اهل سنت، می‌توان به این نتیجه رسید که در فقه امامیه و اهل سنت، هرکسی که به ساحت مقدس پیامبر(ص) توهین نماید و او را مورد مسخره و استهزا قرار دهد، حکمش قتل - و کشتن او جایز - است. البته در برخی موارد، لزوم استثنای آن در خصوص ترس بر جان خود و دیگری - از مسلمانان - در روایات امامیه وجود دارد.^{۲۲}

رویکرد فقه امامیه به سب النبی

در ادامه، مهم‌ترین اقوال در فقه امامیه پیرامون سب النبی و کیفر آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱) شیخ طوسی

شیخ طوسی در کتاب النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی راجع به حکم سب النبی چنین می‌نویسد: «هرکسی رسول‌الله(ص) یا یکی از ائمه(ع) را دشنام و ناسزا

مردی از قبیله هذیل، پی‌درپی، پیامبر(ص) را دشنام می‌داد. گزارش این رفتار را به پیامبر(ص) دادند. آن حضرت فرمود: چه کسی این مرد را کیفر می‌دهد؟ دو نفر از انصار بلند شدند و گفتند: ما ای پیامبر خدا. آن دو نفر رفتند تا به عربه - محل استقرار مرد دشنام دهنده - رسیدند. او را جستجو کردند تا اینکه او را هنگام گوسفندچرانی یافتند. به وی سلام نکردند و مرد هذیلی گفت: شما دو نفر کیستید؟ خودتان را معرفی کنید. دو مرد انصاری از او پرسیدند: آیا تو فلانی پسر فلانی نیستی؟ پاسخ داد: آری پس از اسب پیاده شده و او را به قتل رسانیدند. محمد بن مسلم پرسید: آیا اگر در این زمان کسی پیامبر(ص) را دشنام دهد، کشته می‌شود؟ [شاید این نکته در ذهن راوی بوده که قتل فرد مذکور جنبه حکومتی داشته است؛ زیرا پیامبر(ص) در آن زمان، حاکم و زمامدار بودند و امروز که در قید حیات نیستند، آیا باز هم کشتن سب النبی صحیح است؟] امام فرمود: اگر بر جانت ترسی، پس او را بکش.

البته از ادله دیگری، چنین استفاده می‌شود که در صورت ترس بر جان، نه تنها وجوب قتل سب النبی(ص) برداشته می‌شود، بلکه به خاطر حفظ نفس خود یا انسان دیگری، قتل دشنام دهنده جایز نیست. بنابراین، فرقی بین خود قاتل و نفس محترم - در فرض به خطر افتادن جان شخصی دیگر در هنگام قتل دشنام دهنده - وجود ندارد. از این رو، چنانچه با قتل سب النبی(ص) جان مؤمنان نیز در خطر بیافتد، اجرای حکم مزبور جایز نیست.^{۲۱} از این روایت چنین برداشت می‌شود که تمام فقهای امامیه بدون استثنا معتقدند که دشنام دهنده پیامبر(ص) خونش مباح است و باید به قتل رسانده شود.

روایات اهل سنت درباره سب النبی

در منابع اهل سنت، نیز روایاتی در این باره وجود

۲۱. کشف اللثام و الإبهام، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲۲. احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر، صص ۸۹ و ۹۰.



گوید، مهدور الدم است و برای شنونده سب، کشتن سب النبی حلال است، البته در صورتی که نسبت به نفس خود یا دیگری، ترسی در اجرای حکم سب النبی نداشته باشد. پس اگر بیم ضرر در حال یا آینده بر جان خود یا برخی از مؤمنان داشته باشد، در هر حال، عدم اجرای حکم، چیزی متعرض وی نمی‌نماید.^{۲۳} ابن‌ادریس حلی نیز همانند این نظر را بیان نموده است.^{۲۴}

۲) محقق حلی

محقق حلی صاحب کتاب *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام* پیرامون حکم سب النبی می‌نویسد: «کسی که به پیامبر(ص) دشنام دهد، شنونده دشنام (سب) در صورتی که بیم ضرر جانی یا مالی برای وی یا یکی از مؤمنان متصور نباشد، می‌تواند اقدام به قتل سب النبی نماید و همچنین است اگر کسی به یکی از ائمه معصومان(ع) دشنام بگوید».

از این قول فقهی استخراج می‌گردد: الف) شنونده سب النبی جایز است مرتکب سب را به قتل برساند. ب) جواز قتل سب النبی برای شنونده سب، مشروط به عدم بیم ضرر جانی یا مالی برای وی یا یکی از مؤمنان می‌باشد. ج) برخلاف بسیاری از فقهای امامیه، بیم ضرر مالی نیز از موانع قتل سب النبی توسط شنونده می‌باشد. این در حالی است که اغلب فقها صرفاً به بیم ضرر جانی (نفسی) اشاره نموده‌اند. د) حکم سب ائمه به حکم سب النبی الحاق شده است و در خصوص سب حضرت فاطمه(س) یا هریک از انبیا(ع) مسکوت می‌باشد.^{۲۵}

۳) علامه حلی

علامه حلی در کتاب *إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان* می‌نویسد: «دشنام دهنده به پیامبر اسلام(ص) یا یکی از ائمه معصومان(ع) کشته می‌شود و کشتن وی برای هرکس که سب را شنیده باشد، حلال است،

البته در صورتی که جان و مال او و دیگر مؤمنان در امان باشد و در صورت وجود ضرر، اقدام شنونده در کشتن سب النبی جایز نمی‌باشد».

بنابراین طبق این نظر، اولاً؛ مجازات سب النبی قتل است و حکم سب ائمه(ع) نیز به حکم مزبور الحاق می‌گردد. ثانیاً؛ کشتن سب النبی، در صورتی برای شنونده حلال است که بیم ضرر جانی یا مالی در میان نباشد، در غیر این صورت، این اقدام فاقد حلیت و جواز است.^{۲۶}

به هر روی دشنام و ناسزا به پیامبر(ص) و مقدسات و عیب‌جویی از قرآن و اعتقادات مسلمانان، جسارت و توهین به آنان است؛ چنان‌که شریف مرتضی گفته است: دشنام به پیامبر(ص)، عیب‌جویی از ایشان و نسبت ناسزا به آن حضرت دادن، خوار داشتن دین مقدس اسلام و پست شمردن اسلام و پیروان آن است.^{۲۷}

رویکرد فقه اهل سنت به سب النبی

فقهای اهل سنت دشنام دهنده به پیامبر(ص) را مرتد و کافر دانسته‌اند، با این تفاوت که برخی از آنان معتقدند اگر توبه کرد، توبه‌اش مانع قتلش می‌شود.^{۲۸} رویکرد فقه اهل سنت نسبت به سب النبی و حکم آن را می‌توان در شاخه‌های مختلف این فقه مورد بررسی قرار داد.

۱) فقه شافعی

ابن‌منذر بیان نموده است که به اجماع اهل علم و خرد، حد دشنام دهنده پیامبر(ص) کشتن است؛ زیرا سب کننده کافر است، خود امام شافعی نیز به همین نظر است.^{۲۹} نووی از فقهای شافعی در کتاب *المجموع* چنین می‌نویسد: «ابن‌منذر ادعای اجماع و اتفاق نموده است که اگر کسی به پیامبر(ص) صراحتاً

۲۶. *إرشاد الأذهان*، ج ۱۶، ص ۲۷۱.

۲۷. *حقوق جزای اختصاصی اسلام*، ص ۲۵۵.

۲۸. *المجموع*، ج ۱۹، ص ۴۲۷.

۲۹. *منهاج السنة النبویة*.

۲۳. *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*، ص ۹۴.

۲۴. *السرائر*، ج ۳، ص ۱۷۳.

۲۵. *شرائع الإسلام*، ج ۲۰، ص ۱۶۵.

دشنام دهد، قتلش واجب است، و ابوبکر فارسی که یکی از امامان شافعی می‌باشد در کتاب الإجماع نقل نموده که هرکس پیامبر(ص) را سب نماید، به لفظی که صراحتاً موجب قذف است، به اتفاق و اجماع علما چنین شخصی کافر [و مرتد] شده است، پس اگر توبه نماید قتل از او ساقط نمی‌شود ... و صیدلانی گفته است که قتل ساقط شده و حد قذف واجب می‌گردد. خطایی گفته است در وجوب قتل چنین شخصی، در صورتی که مسلمان باشد، نظر مخالفی سراغ ندارم، ابن بطال نیز گفته است علما در خصوص حکم سب النبی دچار اختلاف شده‌اند، چنان‌که ابن قاسم از مالک نقل کرده است که اگر کسی از اهل ذمه مانند یهود سب پیامبر(ص) نماید، کشته می‌شود، مگر آنکه اسلام بیاورد، لیکن اگر مرتکب سب النبی مسلمان باشد، بدون توبه دادن کشته می‌شود.^{۳۰} بنابراین در این امر تفاوتی نیست که سب النبی از روی استهزا باشد، یا از روی دشمنی، یا به لحاظ اعتقادی، سب النبی مرتد محسوب شده و هیچ اختلافی در حکم قتل وی نیست.^{۳۱}

برخی دیگر از فقهای شافعی، قول دیگری را به شافعی نسبت داده‌اند: «اگر کافر ذمی پیامبر(ص) را سب کند، به قتل می‌رسد و به علاوه، موجب نقض قرارداد ذمه نیز خواهد شد». همچنین خطیب شربینی از فقهای برجسته شافعی در خصوص حکم تکذیب پیامبر(ص) و سب او می‌نویسد: «فَمَنْ نَفَى الصَّانِعَ ... أَوْ نَفَى الرُّسُلَ بَأَن قَال لَمْ يَرْسَلَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى أَوْ نَفَى نُبُوَّة نَبِيٍّ أَوْ كَذَبَ رَسُولًا أَوْ نَبِيًّا أَوْ سَبَهُ أَوْ اسْتَخَفَّ بِهِ أَوْ بَاسَمَهُ أَوْ بَاسَمَ اللَّهَ أَوْ بِأَمْرِهِ أَوْ وَعَدَهُ أَوْ جَحَدَ آيَةَ مِنَ الْقُرْآنِ مَجْمَعًا عَلَى ثُبُوتِهَا أَوْ زَادَ فِيهِ آيَةَ مُعْتَقَدًا أَنَّهَا مِنْهُ أَوْ اسْتَخَفَّ بِسَنَةِ كَمَا لَوْ قِيلَ لَهُ قَلَمُ أَطْفَارِكُ فَإِنَّهُ سَنَةٌ فَقَالَ لَا أَفْعَلُ وَإِنْ كَانَ سَنَةٌ وَقَصِدَ الاسْتِهْزَاءُ بِذَلِكَ ... كَفَرُ فِي جَمِيعِ هَذِهِ الْمَسَائِلِ الْمَذْكُورَةِ».^{۳۲} بنابراین

فقیه مذکور استخفاف پیامبر(ص) و سب ایشان را از مصادیق کفر و ارتداد دانسته است.^{۳۳}

۲) فقه مالکی

کسی که پیامبر(ص) را دشنام دهد، از جماعت مسلمانان خارج گردیده و به قتل رسانده می‌شود.^{۳۴} خطاب رعینی از فقهای مالکی صاحب کتاب مواهب الجلیل در خصوص حکم سب النبی می‌نویسد: «هرکسی پیامبر(ص) را سب نماید، کشته می‌شود، مگر آنکه کافر باشد و پس از ارتکاب سب، اسلام بیاورد. ... قرطبی در شرح مسلم گفته است: در وجوب احترام صحابه پیامبر(ص) و حرام بودن سب آنها، نظر مخالفی وجود ندارد و در این امر که اگر کسی بگوید آنها کافر و گمراهند، کافر است و کشته می‌شود، اختلافی بین علما وجود ندارد؛ زیرا چنین شخصی منکر یکی از بدیهیات شرع گردیده و خدا و رسول را تکذیب نموده است و همین حکم در مورد کسی که تهمت کفر و ضلالت به یکی از خلفای چهارگانه بدهد، اجرا می‌شود».^{۳۵} پس ظاهر عبارت مذکور به کافر اختصاص دارد و بر این امر دلالت می‌کند که اگر سب کننده مسلمان باشد، قتل ساقط نمی‌شود.

صاحب کتاب جواهر الإکلیل از فقهای مالکی در خصوص حکم سب النبی می‌نویسد: «اگر شخصی پیامبری را ناسزا گوید، یا او را لعن کند، یا عیبی بر او گیرد، یا نسبت ناروایی به او بدهد، یا حق او را سبک بشمارد، یا صفت دیگری به او نسبت دهد، مثل اینکه بگوید او سیاه یا کوتاه قد است یا عیبی در بدن یا نسبت به خوی و خصلت او بگیرد، یا یکی از مقامات عالیه چون کثرت علم و زهد او را کم بگیرد، یا کاری که برای پیامبر جایز نیست به او نسبت دهد، مثل عدم انجام رسالت تبلیغ، یا به عنوان بدگویی چیزی را به او نسبت دهد که شایسته مقام او نیست، این فرد باید

۳۳. موسوعة الفقه الإسلامي.

۳۴. الذخيرة، ج ۱۳، ص ۱۸.

۳۵. حقوق کیفری در اسلام، ص ۶۶.

۳۰. المجموع، ج ۱۹، صص ۴۲۶ و ۴۲۷.

۳۱. موسوعة الفقه الإسلامي.

۳۲. الإقناع، ج ۲، ص ۵۵۱.





بدون اینکه از او طلب توبه شود، به عنوان حد کشته شود و توبه او در اسقاط حد مفید نیست». بنابراین به عبارت ساده تر، چنین شخصی حتی اگر به عنوان مرتد توبه نماید و توبه او نیز پذیرفته شود، حد قتل به عنوان مجازات سب النبی از وی ساقط نمی شود.^{۳۶} قرطبی از فقهای مالکی در خصوص حکم سب النبی بر این عقیده است: «هرکس به خداوند تبارک و تعالی یا پیامبر وی و یا یکی از پیامبران الهی دشنام دهد، در حالی که مسلمان باشد، به قتل می رسد، بی آنکه از وی درخواست توبه شود، اما گروهی از فقیهان چنین جرمی را ارتدادی می دانند که در آن درخواست توبه می شود، پس اگر توبه نمود، کشته نمی شود، لیکن اگر توبه نکرد، به قتل می رسد و نظریه نخست مورد تأیید مذهب ما است. اگر کافر ذمی خداوند متعال و رسولش را سب کند، به قتل می رسد. یک نظر آن است که هرکس پیامبر(ص) را سب نماید، به قتل می رسد، خواه مسلمان باشد و خواه نباشد، و هر دو نظریه را ابن عبدالحکم و دیگران به مالک نسبت داده اند، لیکن بهتر است [هنگام انعقاد قرارداد و پیمان ذمه] بر کافر ذمی شرط شود که در مدت قراردادش، نزد مسلمانان، پیامبر(ص) را به صورت آشکار سب ننماید و اگر چنین پیمانی را نقض کند، به خاطر نقض تعهد به قتل می رسد».^{۳۷}

احمد در دیر یکی از فقهای مشهور مالکی در الشرح الکبیر می نویسد: «اگر یک انسان مکلف، پیامبری را ناسزا گوید ... یا او را لعن کند، یا عیبی به او بگیرد، یا نسبت ناروا به او دهد، یا حق او را سبک شمارد، مثل اینکه بگوید او سیاه است، کوتاه است، یا عیبی در بدن او بگیرد، مثل اینکه بگوید او کج چشم است یا لنگ است یا بدکلام است، یا عیبی را نسبت به طبیعت و خصلت او بگیرد، مثل نسبت بخل، یا یکی از مقامات عالیه همچون کثرت علم و زهد او را انکار کند، ... این فرد باید کشته شود و طلب توبه هم از او

نشود و اگر توبه کرد قبول نیست و در این صورت حد الهی بر او جاری خواهد شد، اما اگر توبه نکند، به عنوان جرم کفر، اعدام می شود».^{۳۸}

۳) فقه حنبلی

ابن عابدین معتقد است که حنبلیها نیز در این مورد موافق با شافعی و مالکی هستند.^{۳۹} کسی که به صراحت رسول خدا را ناسزا گوید، در دنیا توبه اش قبول نمی شود.^{۴۰} احمد عبادی به نقل از مقدسی در کتاب الشرح الکبیر، راجع به حکم سب النبی بیان داشته است: «برخی از اصحاب و علمای ما در خصوص کسی که پیامبر(ص) را سب می کند، گفته اند که در هر حال کشته می شود».^{۴۱}

همچنین ابن قدامه در کتاب المغنی راجع به تعریف مرتد چنین می نویسد: «مرتد کسی است که بعد از مسلمان بودن کافر شود. بنابراین اگر کسی برای خدا شریک قائل شود، یا ربوبیت یا یگانگی و یا یکی از صفات خدا را انکار کند، یا برای خدا همسری و فرزندی قرار دهد و یا پیامبر(ص) را انکار کند، یا کتاب آسمانی یا بخشی از آن را انکار نماید، یا به خدا و رسول خدا(ص) ناسزا گوید، کافر گشته است. مرتد عاقل و بالغ به اسلام دعوت می شود و سه روز به او مهلت داده می شود و تنگ بر او گرفته می شود، تا توبه کند، اگر نکرد کشته می شود».

از امام احمد بن حنبل نقل شده که گفته است: «لازم نیست از او طلب توبه شود، بلکه مستحب است، بنابراین در همین حالت جایز است او را بکشیم و باید اعدام او با شمشیر و فقط به دستور امام یا نایب او انجام گیرد».^{۴۲} ابن حنبل در روایتی دیگر می گوید: «هرکس که رسول خدا(ص) را دشنام گوید، توبه ای برای او وجود ندارد». برخی از فقهای حنبلی نوشته اند: «هرکس به خدا دشنام گوید، یا خدا یا

۳۸. حاشیة الدسوقی، ج ۴، ص ۳۰۹.

۳۹. رد المحتار، ج ۴، ص ۱۶۷.

۴۰. الروض المرعب، ص ۶۸۳.

۴۱. تبیین ماهیت و مبانی جرم توهین به مقدسات، ص ۷۳.

۴۲. همان، ص ۷۵.

۳۶. همان، ص ۱۶۳.

۳۷. بایسته های حقوق جزای اختصاصی (۱ و ۲)، ص ۱۶۳.



هرکس پیامبر(ص) را سب نماید، یا عیب جویی کند، در حالی که مسلمان است، مرتد شده است و اگر کافر ذمی باشد، تعزیر می‌شود و کشته نمی‌شود.^{۴۶} صاحب کتاب *الفقه علی المذاهب الأربعة* در خصوص دیدگاه مذهب حنفیه راجع به حکم سب، می‌نویسد: «حنفیه می‌گویند: هرکسی کینه رسول خدا(ص) را در دلش داشته باشد، مرتد است و سب النبی به طریق اولی چنین حکمی دارد، پس به عنوان حد، کشته می‌شود و توبه او جهت اسقاط قتل از او، پذیرفته نمی‌شود».^{۴۷}

سب النبی در حقوق کیفری ایران

قانون‌گذار ایران برای جرم‌انگاری توهین به مقدسات به‌طور صریح و واضح، در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ش، ماده ۵۱۳ را به تصویب رسانده است که مقرر می‌دارد: «هرکس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام و یا ائمه طاهرين(ع) یا حضرت صدیقه طاهره(س) اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب النبی باشد، اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس یک تا پنج سال محکوم خواهد شد».

شایان ذکر است که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش، قانون‌گذار در کتاب دوم (حدود) ذیل جرایم موجب حد، در فصل پنجم به شناسایی عنوان «سب النبی» پرداخته و در ماده ۲۶۲ مقرر نموده است: «هرکس پیامبر اعظم(ص) و یا هر یک از انبیای عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند، ساب النبی است و به اعدام محکوم می‌شود». نیز در ماده ۲۶۳ بیان می‌دارد: «هرگاه متهم به سب ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است، ساب النبی محسوب نمی‌شود. تبصره: هرگاه سب در حالت

آیات پیامبران یا کتابهای ایشان را تمسخر کند، کافر است، خواه در این کار جدی باشد، خواه در مقام شوخی و مزاح باشد...». چنانچه پیامبر(ص) فرموده است: «مَنْ سَبَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ كَافِرًا وَاجِبًا عَلَيَّ أُمَّتِهِ قَتْلُهُ»^{۴۳} «هرکسی رسول خدا(ص) را سب نماید، کافر گردیده و قتلش بر امت واجب می‌شود».

۴) فقه حنفی

با مراجعه به برخی از متون فقهی مذهب حنفیه، چنین استنباط می‌شود که امام ابوحنیفه معتقد است: کسی که به پیامبر(ص) دشنام دهد، اگر مسلمان باشد، توبه داده می‌شود، در صورتی که توبه کرد، توبه‌اش قبول می‌شود و اگر توبه نکرد، مانند مرتد کشته می‌شود.^{۴۴} همچنین علمای این مذهب بر این عقیده‌اند که سب پیامبر(ص) توسط کافر ذمی، موجب مجازات نیست، بلکه صرفاً از این عمل نهی می‌شود. دلیل این حکم را آن می‌دانند که سب پیامبر(ص) توسط کافر ذمی، صرفاً زیادت بر کفر است و به همین علت مستحق مجازات نیست. چنانچه کاسانی از فقهای حنفیه در کتاب *بدائع الصنائع* در این مورد می‌نویسد: «اگر [کافر ذمی] پیامبر(ص) را سب نماید، پیمان ذمه نقض نمی‌شود؛ زیرا این عمل او زیادت کفر بر کفر است و از آنجا که پیمان ذمه با وجود اصل کفر باقی می‌ماند، بنابراین با زیادت بر کفر نیز باقی می‌ماند».^{۴۵}

برخی از فقهای حنفیه معتقدند: کافر ذمی در صورتی که مرتکب سب النبی شود، باید تعزیر شود و حتی برخی مانند ابن عمر قائل به قتل کافر ذمی مرتکب سب النبی می‌باشند. به نظر می‌رسد بین فقهای حنفیه اختلاف نظر زیادی وجود دارد؛ زیرا در برخی دیگر از متون فقهی آمده است که حنفیه سب کننده پیامبر(ص) را مرتد می‌دانند و اگر توبه ننماید، به قتل می‌رسد. چنانچه شریف مرتضی از فقهای نامدار شیعه در کتاب *الانتصار* می‌نویسد: «ابوحنیفه و یارانش گفته‌اند:

۴۳. شرح مشکل الآثار، ج ۱۲، ص ۴۱۲.

۴۴. رد المحتار، ج ۴، ص ۱۶۷.

۴۵. بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۱۱۳.

۴۶. الانتصار، ص ۲۳۴.

۴۷. الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۵، ص ۳۷۸.



مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند، موجب تعزیر تا ۷۴ ضربه است.»
با توجه به عام بودن عنوان توهین، یک عمل مادی و هن آور ممکن است به صورت کتبی یا شفاهی، حضوری یا غیابی، صورت گیرد. همچنین ممکن است هدف توهین کننده از اعمال مادی توهین آمیز، لکه دار ساختن حیثیت و شرافت باشد، مانند نسبت‌هایی که صداقت و راستی و درستی اشخاص ذی صلاح را لکه دار می‌نماید و یا ممکن است منظور واهن، پایین آوردن آبرو و شرافت و کسر شأن باشد. بدین ترتیب، فحاشی، ناسزای خفت‌آور، دادن شعارهای تمسخر آمیز، یا نسبت دادن عملی که باعث جریحه دار شدن احساسات مردم می‌گردد و یا حتی ترک ادب، ممکن است از مصادیق توهین محسوب شود. بنابراین، تشخیص توهین، امری است که باید با توجه به اوضاع و احوال قضیه و شخصیت طرف جرم که مورد اهانت قرار گرفته است و عرف موجود صورت پذیرد.

کسانی که قائل بر این هستند که توهین تنها از طریق فعل ناشی می‌شود، نه ترک فعل، چنین استدلال می‌کنند که با توجه به ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ش، به نظر می‌رسد اولاً؛ تحقق این جرم، فقط با فعل امکان پذیر است و نه ترک فعل. ثانیاً؛ تصریح قانون‌گذار در قانون استفساریه نسبت به کلمه توهین، اهانت و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ش و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات بر به کار بردن الفاظ صریح یا ظاهری و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکات ... که برای تحقق اهانت لازم است، مؤید این است که اهانت با فعل تحقق می‌یابد. ثالثاً؛ اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی و نیز اصل تفسیر به نفع متهم دلالت بر این دارد که جرم توهین به

مقدسات، فقط با فعل صورت می‌گیرد.^{۴۸}
در مقام پاسخ به استدلال بالا، می‌توان گفت: با توجه به اینکه مقدسات و معتقدات دینی (و مذهبی) نزد اشخاص هر جامعه از چنان احترام و اهمیتی برخوردار هستند که حتی جان خود را - در مواقعی به انحاء گوناگون - برای آنها فدا می‌نمایند، توهین و بی‌احترامی به مقدسات و معتقداتشان را به هر صورت که باشد، حتی به صورت ترک فعل، بر نمی‌تابند و از سوی دیگر چنانچه معتقد باشیم علت وضع حکم در خصوص جرم توهین، حمایت از شرافت و حیثیت اشخاص است، در این صورت تنها مختص به اعمال مثبت نمی‌باشد؛ زیرا حمایت قانون‌گذار از شرافت و حیثیت اشخاص، زمانی همه‌جانبه و کامل خواهد بود که ترک فعل نیز بتواند عنصر مادی جرم مزبور را تشکیل دهد. به طور کلی، در ارتباط با اینکه اعمالی اهانت آمیز به شمار می‌روند یا نه، می‌توان آنها را در سه دسته جای داد:

۱- برخی اعمال هستند که توهین جزء جدانشدنی آنها می‌باشد، مانند وجود درد نسبت به زدن شدید که به هیچ وجه جدای از آن نیست؛ در چنین مواردی که عرف چنین ملازمه‌ای را از رفتار انسانی برداشت می‌کند، عمل شخص، توهین به شمار می‌رود، هرچند نیتی غیر از توهین داشته باشد و قصد در این‌گونه موارد، ملاک نیست.

۲- برخی اعمال وجود دارند که به خودی خود، ظهور در اهانت دارند، چه شخص قصد اهانت داشته باشد یا چنین قصدی نداشته باشد؛ در چنین مواردی، عمل توهین آمیز محسوب می‌شود، ولی اگر مرتکب بتواند - در چنین موردی - قصدی خلاف توهین را ثابت کند، از او پذیرفته می‌شود و عمل وی، اهانت آمیز تلقی خواهد شد. به عبارت دیگر، برای محکمه احتیاجی به ثبوت قصد توهین نیست و مرتکب باید ادعای قصد عدم توهین را ثابت نماید.

۴۸. حقوق جزای اختصاصی (۱)، ص ۱۱۷.

۳- برخی اعمال هستند که به خودی خود نه اهانت‌آمیز هستند و نه غیر اهانت‌آمیز؛ یعنی ظهور و عدم ظهور آن در توهین مساوی است. در چنین مواردی اثبات اهانت‌آمیز بودن آن، بستگی به ثبوت قصد توهین دارد. بنابراین سب النبی یکی از مصادیق اهانت است و رفتار مرتکب باید به صورت فعل محقق گردد. وسیله در این جرم شرط نیست. همچنین رفتار مرتکب می‌تواند به صورت لفظ، کتابت، تصویر، نمایش و هر اقدامی که متضمن مفهوم روشن و بدون ابهام کذب و یا دشنام باشد، واقع گردد. وسیله ارتکاب می‌تواند سینما، کتاب و غیر آنها باشد. البته تحقق سب به وسیله کاریکاتور بعید است، مگر آنکه در کاریکاتور از کلمات قبیحه که فحش و دشنام باشد، استفاده شده باشد که در این صورت داخل در کتابت می‌شود و مجازات آن، اعدام است. خلاصه آنکه هرگونه اهانتی به پیامبر(ص) مشمول عنوان سب النبی است و این عنوان مجرمانه، قالب و لفظ خاصی ندارد، بلکه آنچه در اینجا ملاک تشخیص سب النبی است، تحقق اهانت نسبت به پیامبر(ص) است. البته از نظر عنصر مادی، تفاوتی میان اهانت و سب النبی(ص) نیست، اما از نظر عنصر معنوی باید توجه داشت که قصد توهین برای تحقق این جرم، لازم است.

سب النبی در حقوق کیفری افغانستان

حقوق کیفری افغانستان نیز از جمله حقوقهای شرعی محسوب می‌شود؛ زیرا شرع و احکام شرعی، اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع قوانین کیفری در این کشور است. البته لازم به ذکر است که فقه حنفی، منبع اصلی قانون‌گذاری کیفری شرعی در افغانستان است. بنابراین، می‌توان تصور کرد مطالبی که پیرامون رویکرد فقه حنفی نسبت به سب النبی گفته شد، مبنای قانون‌گذاری کیفری در مورد این رفتار مجرمانه برای قانون‌گذار این کشور باشد.

در عین حال، باید توجه داشت که در قانون مجازات اسلامی افغانستان، عنوان مجرمانه خاصی تحت عنوان «سب النبی» وجود ندارد، اما با وجود این، بند ۱ ماده ۳۲۵ قانون مجازات اسلامی افغانستان (موسوم به کود جزایی) مصوب ۲۰۱۰م، در مورد تجاوز به پیروان ادیان چه به واسطه فعل (رفتار) یا قول (گفتار)، چنین مقرر می‌دارد: «شخصی که معتقدات یا احکام دین مقدس اسلام را توهین یا تحریف نماید، به حبس متوسط محکوم می‌گردد». به نظر می‌رسد سب النبی می‌تواند مشمول هردو عنوان توهین و تحریف قرار گیرد. به تعبیر دیگر، می‌توان تصور کرد که فردی، صراحتاً به مقام پیامبر(ص) توهین کند، یا مطلبی را نسبت به ایشان تحریف کند و یا در این باره بدعت‌گذاری نماید، در این فروض، سب النبی رخ داده است. البته می‌توان این توضیح را نیز افزود که در فرض تحریف، باید فرد، رفتار یا گفتاری مبتنی توهین و دشنام داشته باشد، وگرنه با توجه به اصل قانونمند بودن جرمها و مجازات و نیز اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، بعید است تحریف غیر مشتمل بر دشنام و توهین را سب پیامبر(ص) قلمداد کرد.

نکته دیگر اینکه مقصود از حبس متوسط در حقوق کیفری افغانستان، ۲ تا ۵ سال حبس است. همچنین ماده ۸۹۵ این قانون، امکان ارتکاب جرم توهین به ادیان و مذاهب از طریق فضای مجازی را در نظر گرفته و برای مجازات توهین به ادیان یا مذاهب از طریق فضای مجازی، جزای نقدی ۵ الی ۶۰ هزار افغانی را مقرر نموده است.

در نتیجه می‌توان گفت: از آنجا که قانون مجازات اسلامی افغانستان برای سب النبی عنوان مجرمانه خاصی در نظر نگرفته است، مطابق بند دوم ماده ۲ قانون مجازات اسلامی افغانستان، در مواردی که قانون ساکت است، به فقه حنفی مراجعه می‌گردد.





نتیجه‌گیری

به صراحت و به صورت یک بزه مستقل، جرم‌انگاری کرده و آن را مستحق قتل دانسته است، حقوق کیفری افغانستان، ضمن اینکه این عنوان را به صراحت تعیین و شناسایی نکرده، مجازات حبس متوسط (۲ تا ۵ سال) را برای آن تحت عنوان «توهین به مقدسات» در نظر گرفته است. بنابراین به نظر می‌رسد کیفر و مجازات سب النبی، در حقوق کیفری ایران، به صورت جامع‌تر و کامل‌تر نسبت به حقوق کیفری افغانستان صورت گرفته است.

۳. به نظر می‌رسد در فقه امامیه و سه مذهب اهل سنت (شافعی، مالکی و حنبلی)، مجازات سب النبی شدیدتر و پررنگ‌تر می‌باشد که مجازات آن را جز قتل چیزی دیگر نمی‌دانند، اما فقه حنفی که نظام حقوقی افغانستان هم با این رویکرد عمل نموده است، آن‌چنان شدید و پررنگ نبوده و معتقد به قتل و کشتن توهین و دشنام دهنده به پیامبر (ص) نیست، بلکه او را مرتد محسوب می‌نماید.

۱. جز فقه حنفی که رویکردی متفاوت در باب سب النبی و مجازات سب اتخاذ کرده و معتقد به قتل و کشتن دشنام دهنده به پیامبر (ص) نیست، در دیگر مذاهب اسلامی؛ یعنی مالکی، شافعی و حنبلی و نیز امامیه، مجازات سب النبی، چیزی جز قتل و کشته شدن نیست. در حقیقت، در این مذاهب، سب النبی، مصداق آشکاری از ارتداد و خروج از دین است و بنابراین مستحق این مجازات شدید است. اصلی‌ترین مبنای این مذاهب در تعیین کیفر قتل برای سب النبی، روایاتی است که از جانب پیامبر (ص) و برخی از ائمه (ع) مبنی بر استحقاق سب النبی به کیفر قتل، وارد شده است.

۲. حقوق کیفری ایران و افغانستان رویکرد متفاوتی در باب سب النبی و مجازات سب اتخاذ کرده‌اند. در حالی که حقوق کیفری ایران، سب النبی را به عنوان مصداق آشکاری از ارتداد و خروج از دین،

کتابنامه

- قرآن کریم.
- «آزادی بیان و هتک حرمت ادیان و پیامبران - اروپا از منظر حقوق بشر»، طیبه اسدی، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۱۰، ۱۳۸۵ ش.
- احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر، سیف‌الله صرامی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۸۷ ش.
- ارتداد از دیدگاه فقها، اصغر تفضلی هرنندی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸ ش.
- إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان، حسن بن یوسف حلی، در: سلسلة الینابیع الفقهیة، علی اصغر مروارید، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة؛ الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ ق.
- «استنباط حکم سب النبی از ابعاد سه‌گانه سنت اسلامی»، محمدرضا جواهری، مجله الهیات اجتماعی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۸ ش.
- اصول راهبردی حقوق کیفری، غلام حیدر علامه، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴ ش.
- الإقناع فی حل ألفاظ أبی شجاع، محمد بن احمد خطیب شریینی، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- الانتصار، علی بن حسین شریف مرتضی، نجف، مطبعة الحیدریة، ۱۹۷۱ م.
- بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی (۱ و ۲ و ۳)، جعفر کوشا، تهران، مجد، ۱۳۹۰ ش.
- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ابوبکر بن مسعود کاسانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۶ ق.
- بررسی تحلیلی و تطبیقی جرائم قذف، افترا

- و توهین، صادق رضوانی، تهران، فرهنگ سبز، ۱۳۸۹ش.
- بررسی توهین به مقدسات اسلام در فقه و قوانین کیفری ایران، حسن صابر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸ش.
- «بررسی جرم اهانت به مقدسات اسلام»، عباس زراعت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۶، ۱۳۸۱ش.
- «بررسی حکم قاتل ساب النبی(ص) و ائمه اطهار(ع)»، ابوالحسن شاکری و یاسر غلام نژاد، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۴۴، شماره ۱، ۱۳۹۰ش.
- «بررسی فقهی و حقوقی جرم سب النبی»، عباس زراعت، مجله دانشکده الهیات مشهد، شماره ۵۷، ۱۳۸۱ش.
- تبیین ماهیت و مبانی جرم توهین به مقدسات، احمد عبادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۸۱ش.
- توهین به مقدسات دینی در حوزه آزادی مطبوعات در ایران، انگلستان و ایالات متحده، مرتضی نجابت خواه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵ش.
- «تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی در آینه فقه اسلامی»، مرتضی رحیمی، مجله آموزه‌های فقهی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۸۸ش.
- حاشیه الدسوقی علی الشرح الكبير، محمد بن احمد دسوقی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- حقوق جزای اختصاصی (۱): جرایم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)، محمدهادی صادقی، تهران، میزان، ۱۳۹۳ش.
- حقوق جزای اختصاصی اسلام، عابدین مؤمنی، تهران، سمت، ۱۳۹۷ش.
- حقوق کیفری اختصاصی (۱): جرایم علیه اشخاص، حسین میرمحمد صادقی، تهران، میزان، ۱۳۹۵ش.
- حقوق کیفری در اسلام، محمد محمدی گیلانی، تهران، المهدی، ۱۳۶۲ش.
- الذخیره، احمد بن ادريس قرافي، بیروت، دارالغرب الإسلامي، ۱۹۹۴م.
- رد المحتار علی الدر المختار، محمدامین بن عمر ابن عابدین، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- الروض المربع شرح زاد المستقنع، منصور بن یونس بهوتی، بیروت، دارالمؤید؛ مؤسسة الرسالة، بی تا.
- «سب و لعن از دیدگاه فقه و اخلاق»، شعبان حق پرست، در: فقه و حقوق تطبیقی، گروهی از مؤلفان، تهران، سمت، ۱۳۸۸ش.
- السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، محمد بن منصور ابن ادريس حلی، در: سلسله الینابیع الفقهیة، علی اصغر مروارید، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة؛ الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ق.
- شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، جعفر بن حسن محقق حلی، در: سلسله الینابیع الفقهیة، علی اصغر مروارید، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة؛ الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ق.
- شرح مشکل الآثار، احمد بن محمد طحاوی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۵ق.
- فرهنگ فارسی، محمد معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.
- الفقه علی المذاهب الأربعة، عبدالرحمن جزیری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، محمدابراهیم شمس ناتری و دیگران، تهران، میزان، ۱۳۹۲ش.
- کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، محمد بن حسن فاضل هندی، قم، دفتر انتشارات اسلامی،



- ۱۴۱۶ق. حرانی، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية،
 - لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، دانشگاه
 ۱۴۰۶ق. تهران، ۱۳۸۸ش.
 - مبسوط در ترمینولوژی حقوق، محمدجعفر
 - الموسوعة الفقهية، قاهره، مجلس الأعلى للشئون
 الإسلامية، ۱۴۱۱ق. جعفری لنگرودی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳ش.
 - المجموع شرح المهدب، یحیی بن شرف نووی،
 بیروت، دارالفکر، بی تا.
 - واثه نامه تفصیلی فقه جزا، یعقوب خاوری و
 همکاران، زیر نظر عباسعلی عمیدزنجانی، مشهد،
 دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴ش.
 - هتک حرمت مقدسات، صادق الهام، تهران،
 دادگستر، ۱۳۹۰ش.
 - منهاج السنة النبویة، احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیہ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

